

# خبرنامه کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری (منطقه تهران)

جمعه ۱۷ خرداد ۱۳۸۷

سال اول - شماره ۶

## کارگران علیه سرمایه تشکل شویم!



کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری  
Coordinating Committee to  
Form Workers Organization

### در این شماره:

- پایان پیروزمندانه اعتصاب کارگران کوره های قرچک ص ۲
- خیانت سران اتحادیه و شکست اعتصاب کارگران نروژی ص ۲
- خودسوزی دختر کارگر برای فرار از دست سرمایه دار ص ۲
- چرا "لغو کارمزدی"؟! ص ۳
- LO و سرعت گیری روند فروپاشی سندیکالیسم ص ۳
- توحش لجام گسیخته سرمایه داران آلمانی بر بستر گورستان اتحادیه ها ص ۴
- اعتصاب سراسر کوره های آجرپزی ارومیه را فرا گرفت ص ۵
- دو کارگر در زیر آوار بتون سرمایه دفن شدند ص ۵
- باج خواهی شهرداری سقز از تعاونی مسکن کارگران ص ۶
- گسترش دوباره اعتصاب معلمان در نروژ ص ۶
- ادامه اعتصاب کارگران هفت تپه و لزوم برون رفت از وضعیت کنونی ص ۶
- کارگران قرچک در مقابل انجمن صنفی ص ۷
- فریاد خشم خانواده های کارگران سوخته در آتش سرمایه ص ۷
- مرگ جانخارش دو کارگر در حین کار ص ۸
- خطر خودکشی زیر فشار گرسنگی در کارخانه چوب طالقانی ص ۸
- گسترش موج گرسنگی در میان کارگران ص ۸
- ادامه اعتصاب کارگران کوره های آجرپزی قرچک ص ۸
- ۳۰۰ کارگر قند قهستان بیکار می شوند ص ۹
- ۵ ماه کار بدون حقوق در کارخانه حریر مازندران ص ۹
- ۶ کارگر روسی زیر آوار دفن شدند ص ۹
- کارگران بندر سن آنتونیو در شیلی دست از کار کشیدند ص ۹
- اعتصاب رانندگان تاکسی در فرانسه ص ۱۰
- کارگران هفت تپه در بیست و پنجمین روز مبارزه ص ۱۰
- گسترش اعتصابات کارگری در نروژ ص ۱۰
- پیروزی کارگران نساجی ایران برک رشت ص ۱۱
- کارخانه نساجی پارس ایران ص ۱۱
- گزارشی از کارخانه مسینان وابسته به ایران ساینما ص ۱۱
- پایان اعتصاب کارگران پرستار در سوئد ص ۱۱

## مشور مطالبات پایه امی طبقه کارگر ایران را بخوانید

صفحه ۱۲

## پایان پیروزمندانه اعتصاب کارگران کوره های قرچک

برای کارگران زیاد می دانستند! نتیجه اعتصاب کارگران نشان می دهد که این مزدوران سرمایه که عنوان "نماینده کارگر" را یدک می کشند کاسه داغ تر از آش اند و حتی از کارفرمایان هم ضدکارگرتر هستند. وقت آن رسیده است که کارگران تومار عمر این گونه تشکل ها و به طور کلی هرگونه تشکل ابزار دست سرمایه را در هم پیچند و شوراهای ضدسرمایه داری خود را برپادارند. ۱۶ خرداد ۸۷

حال بی حقوق ترین شرایط استثمار می شود و از هرگونه سازمانیابی و تشکل برای مبارزه با سرمایه محروم است، همین حد از تحمیل افزایش دستمزد به کارفرما نیز پیروزی بزرگی به شمار می آید و ما به سهم خود این موفقیت را به کارگران کوره های آجرپزی قرچک تبریک می گوئیم. اهمیت این پیروزی به ویژه آن گاه برجسته تر می شود که به یاد آوریم مزدوران سرمایه در "انجمن صنفی کارگران کوره های آجرپزی" همان ۱۲۵۰۰ تومان دستمزد را نیز

دیروز (۸۷/۳/۱۵) نمایندگان ۳۰۰۰ کارگر کوره های آجرپزی قرچک با سرمایه داران مالک این کوره ها بر سر دستمزد ۱۴۰۰۰ تومان در ازای تولید هر ۱۰۰۰ آجر به توافق رسیدند و بدین سان کارگران به اعتصاب یک ماهه خود پایان دادند. دستمزد قبلی کارگران ۱۲۵۰۰ تومان بود و کارگران خواستار ۱۵۰۰۰ تومان شده بودند. بی گمان، برای کارگری که روزی ۱۷ ساعت همراه همسر و فرزندان خردسالش در سخت ترین و درعین

## خیانت سران اتحادیه و شکست اعتصاب کارگران نروژی

است! ما نشان دادیم که نمی خواهیم عاملی برای ایجاد دردسر برای مردم باشیم و بار دیگر به مردم نروژ ثابت کردیم که این ما هستیم که در مقابل آنان احساس مسئولیت می کنیم و امیدواریم کارفرمایان هم در آینده در قبال ما حسن نیت نشان دهند. " فراموش نکنیم که اهالی شهرهای مختلف نروژ با دل و جان از معلمان و سایر کارگران اعتصابی حمایت می کردند و خواستار تحقق فوری همه مطالبات آنان بودند. شهردار شهر BERGEN که یکی از کارفرمایان ثروتمند نروژ و از چهره های سرشناس حزب راست Høyre Party است امروز رسماً از مسئولین اتحادیه UNIO به خاطر صدور فرمان پایان اعتصاب تشکر و قدردانی کرد. قابل ذکر است که اعتصاب کارگران در اسلو همچنان ادامه دارد. اما متأسفانه تمام شواهد دال بر آن است که در روزهای آتی اعتصاب این بخش از کارگران هم از جانب رهبران اتحادیه به شکست کشانده خواهد شد.

ژوئن ۲۰۰۸

اعلام کرده بودند که تا رسیدن به خواست های خویش و در صدر آن افزایش دستمزد حتماً به اعتصاب ادامه می دهند. رهبران اتحادیه یک بار دیگر ثابت کردند که برایشان منافع کارگران هیچ چیز و منافع سرمایه داران و ماندگاری نظام سرمایه داری همه چیز است. آنان مثل همیشه ثابت کردند که در کنار کارفرمایان و علیه توده های کارگر هستند. خانم هلگا یتلاند HELGA JETLAND رئیس اتحادیه UTDANNINGSFORBUNDET که شعبه ای از اتحادیه UNIO است، امروز در اخبار ساعت ۷ شبکه سراسری کانال ۱ نروژ حاضر شد و با وقاحت از کار اتحادیه دفاع کرد. خبرنگاری از او پرسید: « در حالی که کارفرمایان حتی حاضر نشده اند یک کرون به دستمزد کارگران اعتصابی اضافه کنند، آیا اعلام پایان اعتصاب به معنای شکست جنبش اتحادیه ای نیست؟»

و خانم هلگا یتلاند با بیشرمی تمام پاسخ داد: "فرمان توقف اعتصاب نه تنها برای اتحادیه ما شکست نیست، بلکه پیروزی برای مردم نروژ

سازش وقیحانه و بیشرمانه رهبران اتحادیه UNIO اعتصاب هزاران نفر از کارگران معلم، پرستار، مربیان مهد کودک، فیزیوتراپ و پژوهشگر نروژی را به شکست کشاند. امروز چهارشنبه ۴ ژوئن ۲۰۰۸ در مذاکره ای که مطابق معمول در پشت درهای بسته میان رهبران این اتحادیه و کارفرمایان بدون حضور هیچ کارگری و هیچ فردی از اعتصاب کنندگان صورت گرفت، حکم پایان اعتصاب از سوی سران مزدور اتحادیه صادر گردید. رهبران خیانتکار اتحادیه در شرایطی حکم به پایان اعتصاب دادند که هیچ یک از مطالبات کارگران در هیچ سطحی و هیچ میزانی محقق نگردیده است. کارگران پس از مدت ها اعتصاب به سر کار باز می گردند بدون این که هیچ چیز در این اعتصاب به دست آورده باشند. کارگران معلم، مربیان مهد کودک، فیزیوتراپ ها و پژوهشگران از اتحادیه و سران آن بسی متفرد و بهت و حیرت همه آنان را در خود فرو برده است. کارگران در طول دو هفته اعتصاب با عزمی راسخ و روحیه ای مصمم

## خودسوزی دختر کارگر برای فرار از دست سرمایه دار

آجرپزی ابراهیم الیاسی است. او بدون هیچ تردیدی قاتل مستقیم گلاویز است، همان گونه که نظام سرمایه داری قاتل واقعی بشریت معاصر است.

۱۵ خرداد ۸۷

روزی به خاطر گرفتاری راهی سفر می شود و سرمایه دار درنده و خون آشام صاحب کارگاه با اغتنام فرصت از نبودن پدر، شیرانه ترین آزار و شکنجه های جسمی و روحی را بر دختر تحمیل می کند. گلاویز مدتی مقاومت می کند اما درنده خویی و شرارت سرمایه دار مقاومت او را در هم می شکند و او در وخیم ترین شرایط روحی تمامی اندام خویش را به آتش می کشد. نام سرمایه دار صاحب این کوره

گلاویز سلطان نیا دختر کارگر ۱۹ ساله زیر فشار اذیت و آزار و شکنجه های مرگباری که صاحب کارگاه بر وی وارد می کند، دست به خودسوزی می زند و در میان شعله های آتش مرگ سرمایه جان خویش را از دست می دهد. گلاویز همراه پدر و خواهرش در یک کارگاه آجرپزی در شهر همدان در هولناک ترین و بربرمنشانه ترین شرایط کاری توسط صاحب سرمایه استثمار می شده اند. پدر دختر چند

## چرا "لغو کارمزدی"؟

افزایش باید سود دچار کاهش می‌شود. بنابراین، افزایش دستمزد فقط و فقط باعث کاهش سود سرمایه دار می‌شود و نه- آن گونه که سرمایه داران می‌گویند- باعث گرانی و تورم.

- به کاری که کارگر در ازای مزد می‌کند **کارمزدی** می‌گویند. وجود سرمایه، یعنی خرید و فروش نیروی کار، مستلزم وجود کارمزدی است و کارمزدی نیز نیازمند وجود خرید و فروش نیروی کار است. بنابراین، تا زمانی که کارمزدی وجود دارد سرمایه یا رابطه ضدانسانی خرید و فروش نیروی کار نیز وجود دارد. به این ترتیب، سرمایه چیزی نیست که مثلاً با مصادره اموال سرمایه دار و دولتی کردن آن از میان برود. سرمایه یک رابطه اجتماعی یعنی رابطه خرید و فروش نیروی کار بین انسان‌ها است. برای آن که این خرید و فروش از میان برداشته شود، باید چیزی به نام کارمزدی وجود نداشته باشد.

- ما فعالان ضدسرمایه داری به این دلیل خواهان لغو کارمزدی هستیم.

منوچهر

۱۳۸۷/۲/۷

پس، به طور واقعی- و نه حقوقی- کارگر **مجبور است** که نیروی کارش را به سرمایه دار بفروشد.

- کارگر نیروی کارش را برای مدت معینی به سرمایه دار می‌فروشد و درازای آن پول می‌گیرد، و سرمایه دار پس از خرید نیروی کار کارگر او را برای این مدت به کار می‌کشد. پس، سرمایه دار **نیروی کار** کارگر را می‌خرد اما از او **کار** می‌کشد. تفاوت بین خرید نیروی کار کارگر و استفاده از کار او همان سودی است که نصیب سرمایه دار می‌شود، و به علت همین سود است که سرمایه دار روز به روز ثروتمندتر و قدرتمندتر و کارگر روز به روز فقیرتر و بدبخت‌تر می‌گردد. به این عمل سرمایه دار یعنی بیرون کشیدن سود از جسم و جان کارگر، **استثمار** می‌گویند.

- پس، در رابطه اجتماعی سرمایه یا همان رابطه خرید و فروش نیروی کار آنچه گیر سرمایه دار می‌آید سود است و آنچه گیر کارگر می‌آید پولی است که سرمایه دار به کارگر می‌دهد. این پول، همان **مزد** است. بین سود و مزد یک رابطه معکوس وجود دارد: هرچه سود بیشتر شود مزد کمتر می‌گردد و هرچه مزد

- ما در دنیایی زندگی می‌کنیم که در آن بین انسان‌ها رابطه اجتماعی خاصی وجود دارد که همیشه وجود نداشته است. در این رابطه اجتماعی، انسان بسته به این که در کدام طرف آن قرار گرفته باشد، یا خریدار نیروی کار است یا فروشنده آن. خریدار نیروی کار همان مالک وسایل تولید و مبادله یعنی سرمایه دار است، و فروشنده نیروی کار همان کارگر است که برای زنده ماندن جز این راه هیچ راه دیگری ندارد. در این رابطه اجتماعی، نصیب اولی ثروت و قدرت و آسایش است و قسمت دومی فقر و نکبت و بدبختی و درد و رنج مدام. به این رابطه اجتماعی، **سرمایه** می‌گویند.

- کارگر نه مانند برده به برده دار تعلق دارد و نه همچون رعیت وابسته به زمین است. کارگر به دو معنا آزاد است: آزاد از هرگونه وسیله تولید و مبادله، و آزاد در این که نیروی کارش را بفروشد یا نفروشد. کارگر، برخلاف برده و رعیت، حق دارد که نیروی کارش را به سرمایه دار نفروشد. اما در این صورت باید از زندگی خود دست بشوید و از گرسنگی بمیرد.

## LO و سرعت گیری روند فروپاشی سندیکالیسم

استعفاها از دهه ۹۰ قرن پیش آغاز شد، اما شتاب آن در دو سال اخیر بی سابقه بوده است. در سال ۸۶، با هجوم طاعونی ائتلاف راست‌تر بورژوازی به امکانات بیمه بیکاری و تنزل آن از ۸۰ به ۷۰ و سپس ۶۵٪ سرعت خروج از LO به طور کم سابقه ای بالا رفت. این امر چند دلیل داشت. اولاً LO به هیچ نوع مقاومتی در مقابل این تعرض‌ها سرمایه دست‌نزد. ثانیاً و از آن بدتر کثیف‌ترین و فاجعه‌بارترین نقش را در سرکوب نطفه‌های رو به رشد اعتراضات کارگری بازی کرد. جمعیت وسیعی از کارگران در سراسر سوئد از اتحادیه خواستند که دستور اعتصاب سیاسی علیه موج تهاجمات بورژوازی را صادر کند. LO نه فقط هیچ تمایلی به این کار نشان نداد که از همه شیوه‌های ممکن برای در هم کوبیدن این جنب و جوش بهره گرفت. ثالثاً استفاده از حق بیمه بیکاری برای بخش اعظم کارگران سوئد اصلی‌ترین و شاید هم تنها دلیل عضویت در اتحادیه است و پیداست که با سلاخی این امکان توسط سرمایه و مشارکت مستقیم اتحادیه در این سلاخی دلیل چندانی برای ادامه عضویت

است. طبقه کارگر سوئد در طول دو دهه اخیر عظیم‌ترین بخش امکانات رفاهی و اجتماعی خود را از دست داده است و LO در سلاخی این امکانات به نفع طبقه سرمایه دار مؤثرترین نقش را ایفا کرده است. قلع و قمع مبارزات کارگران در سوئد نه توسط «سپاه پاسداران» و «بسیج» که اساساً توسط اتحادیه سراسری انجام می‌گیرد. در یک جمله ساده می‌توان گفت که در سوئد سرمایه لحظه به لحظه تعرض می‌کند و اتحادیه کارگری با خلع سلاح کامل و گسترده طبقه کارگر راه تعرض سرمایه علیه هست و نیست توده‌های کارگر را به وجه احسن هموار می‌سازد. برای این که تصویر زمینی بسیار ملموسی از مسئله داشته باشیم فقط کافی است در نظر بیاوریم که در سال‌های اخیر نرخ سود سرمایه‌های سوئدی در سطح بین‌المللی در قله قرار داشته، نرخ افزایش دستمزدها از همه کشورهای اروپای غربی و شمالی کمتر بوده و بالاخره شمار اعتصابات کارگران یا در واقع «توافق» (توافق اجباری) اتحادیه کارگری با وقوع اعتصابات در نازل‌ترین میزان قرار داشته است

اتحادیه سراسری کارگران سوئد (LO) در طول چند سال اخیر بیش از ۵۰۰۰۰۰ نفر از اعضای کلوب‌ها یا صندوق بیمه بازنشستگی خود را از دست داده است. این میزان کاهش عضو و استعفا کارگران از سال ۱۹۰۹ به این سوی سابقه نداشته است. در سال مذکور، توده‌های کارگر سوئد به دنبال شکست در یک اعتصاب بزرگ طولانی و مایوس شدن از نقش جنبش اتحادیه‌ای، در وسیع‌ترین سطح دست به استعفا زدند. روند استعفا کارگران از عضویت اتحادیه اینک هر روز شتاب بیشتری می‌گیرد و ابعاد مسئله تا آنجا پیش رفته که در کنگره اخیر LO یکی از مباحث بسیار داغ را به خود اختصاص داده است. خانم وانیا لوندبی و دین (Vanja Lundby Wedin) رئیس LO در اجلاس نخست کنگره بخشی از نطق افتتاحیه خود را به همین موضوع اختصاص داد. او خاطر نشان کرد که به احتمال زیاد یک ریزش ۲۶ درصدی دیگر اعضا نیز در راه است.

روند خروج از اتحادیه سال‌های زیادی است که آغاز شده است. دلیل آن، توضیح واضح‌تر

کارگران در LO باقی نمی ماند. رابعا و بالاخره این که فرایند طولانی سرخوردگی توده های کارگر از جنبش اتحادیه ای و آزمون تلخ آن ها از سرسپردگی اتحادیه به نظام سرمایه داری به جایی رسیده بود که اتخاذ تصمیم به استعفا را اجباری می کرد.

رهبری اتحادیه در کنگره اخیر، خطر فروپاشی LO را جدی گرفته است. مشکل این است که آنان هیچ راهی برای جلوگیری از این خطر در پیش روی ندارند. LO نه فقط قادر به هیچ تغییری در مبانی کار خود نیست که از آن بدتر مجبور است گام به گام با سرعتی هر چه بیشتر و پرشتاب تر در باتلاق همکاری انداموار با نظام بردگی مزدی فرو رود و در همین راستا نقش باز هم فعال تر و هارتری در ساختار نظم سرمایه برای تار و مار کردن امکانات معیشتی و رفاهی طبقه کارگر به نفع بورژوازی ایفا کند. LO وجود داشته و وجود دارد تا تمامی شدت استثمار و بی حقوقی و بربریت سرمایه داری را بر کارگران تحمیل کند. این کار تا چند سال پیش در جامعه سوئد، به دلایل بسیار روشنی که در اینجا مجال طرح آن ها نیست، می توانست بدون سلاخی عنان گسیخته و بی هیچ حد و حصر برخی دستاوردهای مبارزات گذشته کارگران صورت گیرد. اما اکنون دیری است که دیگر چنین امکان و فرصتی در اختیار سران LO نیست. عصر، عصر تاراج آخرین لقمه های نان توده های کارگر توسط سرمایه با هدف پاسخ به نیاز ماندگارسازی نظام سرمایه داری است و LO نیز باید بار این رسالت ننگین سرمایه دارانه را بر دوش گیرد. درست به

همین دلیل در عین طنز بودن بسیار شنیدنی است که کنگره اخیر LO درست در همان حال که برای ریزش شمار اعضایش داغدار است سخت مصمم است که برای محدودکردن هر چه بیشتر حق اعتصاب کارگران با اتحادیه کارفرمایان وارد گفتگو شود.

LO از دیرباز تا امروز خواستار وقوع هیچ اعتصابی علیه سرمایه نبوده است. همه اعتصابات را کارگران به زور بر سران اتحادیه تحمیل کرده اند. اما جالب است که LO همه این اعتصابات را به شکست کشانده است و با شکست هر اعتصاب عظیم ترین خدمت ها را به آستان سرمایه انجام داده است. در طول روزهای اعتصاب کارگران، بر اساس آنچه که LO قبول کرده است، سرمایه داران ملزم به پرداخت دیناری دستمزد به کارگران نیستند. LO این دستمزدها را از بودجه صندوق اعتصاب که توسط کارگران و حق عضویت آنان تأمین می شود، پرداخت می کند. این امر به ویژه در بخش هایی مانند سیستم درمان، یا آنچه که بورژوازی به دروغ « خدمات » می نامد، باعث می شود که نهادهای دولتی سرمایه افزایش ناچیز دستمزد کارگران را با معافیت خویش از پرداخت دستمزد روزهای اعتصاب بسیار راحت جبران کنند. فروپاشی اتحادیه و استعفاي چند صد هزار نفری اعضا بسیار سریع امکان پرداخت دستمزد روزهای اعتصاب را نیز از LO می گیرد و به همین دلیل احتمال توافق این اتحادیه با اعتصاب در سال های آتی شاید به صفر نزدیک شود.

اتحادیه کارگری LO در طول دو سال اخیر خدمات بسیار ارزنده ای به سرمایه کرده است. بورژوازی سوئد بیشتر و بهتر از همه قدر این خدمات را می داند. تمکین اتحادیه سراسری به کاهش بیمه بیکاری و در همین روزها بیمه درمان و تمامی امکانات دیگر به طبقه سرمایه دار سوئد اجازه داده است که سطح دستمزدها را نیز بیش از پیش کاهش دهد. دلیل مسئله کاملاً روشن است. امحای این امکانات به ویژه در شرایط وفور بیکاری و اجبار توده های کارگر به رقابت برای فروش نیروی کار خود سبب می شود که سرمایه داران نازل ترین سطح مزدها را بر کارگران تحمیل کنند.

جنبش اتحادیه ای با سرعت زیاد در حال فروپاشی است، زیرا پراتیک ضد کارگری و سرمایه پسند آن به سان تیغ در چشم کارگران عضو اتحادیه ها فرو رفته است. کسانی که آدرس این نوع ابزارهای دست ساخت سرمایه را به طبقه کارگر ایران می دهند درخوش بینانه ترین حالت دوستان ابله و ناآگاه طبقه کارگرند. در جامعه ایران، حتی در اوج رونق سندیکالیسم، امکان تشکیل سندیکا و اتحادیه کارگری به اصطلاح مستقل وجود نداشته است، چه رسد به اکنون که دوران افول سندیکالیسم است. عمر سندیکا سازی به سرعت دارد به پایان می رسد، و هر آن کس که به این امامزاده بی معجزه دخیل ببندد عرض خود می برد و زحمت کارگران می دارد.

ژوئن ۲۰۰۸

## توحش لجام گسیخته سرمایه داران آلمانی بر بستر گورستان اتحادیه ها

کارگران و کار شاق بی حقوق میلیون ها کارگر گرسنه با دستان خالی و با انبوه کودکان گرسنه منتظر کفی نان در هر شامگاه، واقیعت دردناک و مرگ آلود این کمیک بودن را روی پرده آورده است. در بنگلادش، آقای « محمد یونس » سرمایه دار درنده، جنایتکار و خون آشام شریک تراست عظیم « تله نوردیا » از کمبیبون صلح نوبل در قلمرو قدرت سوسیال دموکراسی جایزه صلح دریافت می کند. در عراق، افغانستان، بالکان، آفریقا و بخش های دیگر دنیا، آتش کشیدن دودمان بشریت با نیروی انسان کش زرادخانه های هولناک تسلیحاتی آمریکا و اروپا فتح الفتوح دموکراسی نام می گیرد، و در آلمان، سرمایه داران این کشور در روز روشن علیه نهاد نظم تولیدی و سیاسی و قدرت سرکوب سازمان یافته خویش یعنی دولت به جرم عدم کاهش حق بیمه بیکاری کارگران به نظام حقوقی همین دولت شکایت می کنند ! آنان از این فراتر رفته و تهدید کرده اند که در صورت سرپیچی دولت از پذیرش خواسته شان دست به اعتصاب خواهند زد !! و لابد کارگران را از کارخانه ها بیرون خواهند ریخت. در مقابل این موضع سرمایه داران آلمانی، حتی وقیحانه ترین و بیشرمانه ترین مواضع ضد انسانی هم رنگ می بازد. آنچه سرمایه در سراسر دنیا علیه بشریت اعمال می کند اگر روزی به حق تراژدی تاریخ

کارفرمایان کشور آلمان از دادگاه رسمی این کشور خواستند که مقدار بودجه اختصاص داده شده به بیمه بیکاری کارگران را کاهش دهد. به گزارش خبرگزاری دویچه وله، دبیر هوندت، رئیس اتحادیه کارفرمایان آلمان در گفتگو با روزنامه "بیلد آم زونتگ" اعلام کرد که اگر مقامات مسئول در این زمینه تا پایان ماه اوت امسال دست از لجاجت برندارند، کارفرمایان آلمانی از دست دولت به دادگاه شهر کارلسروه شکایت خواهند کرد. جهت اطلاع کارگران ایران باید بگوییم که در آلمان هر کارگری که حداقل ۱۸ ساعت در هفته کار کند، مشمول بیمه بیکاری می شود. حق بیمه بیکاری در آلمان، که در حال حاضر ۶/۵٪ دستمزد ناخالص کارگران است، به طور مساوی توسط کارفرما و کارگر پرداخت می شود. کارگری از حقوق ایام بیکاری برخوردار است که در دو سال قبل از دوران بیکاری حداقل ۱۲ ماه حق بیمه بیکاری پرداخت کرده باشد.

قرن بیست و یکم قرن کمیک شدن تهوع آور تراژدی استثمار نیروی کار توسط سرمایه است. شکل های این کمیک شدن در جاهای مختلف دنیا با هم فرق می کند. در ایران، تعویق چندین ماهه و گاه چند ساله دستمزدهای نازل

انسان بود امروز فقط باز آفرینی کمیک مرگ آلود و چندش آور آن تراژدی است. بورژوازی آلمان با درنده خوبی تمام میلیون میلیون کارگر را بیکار می کند و همزمان از دولت طبقه خود می خواهد که بیمه بیکاری این کارگران را نیز سلاخی کند! آنچه سرمایه انجام می دهد، چه در ایران و بنگلادش و آفریقا و شرق آسیا و آمریکای لاتین و چه در آلمان و انگلیس و آمریکا، عین سرشت اوست.

پرسش این است که کارگران دنیا در مقابل این توحش بیکران چه خواهند کرد؟ و کارگر آلمانی در برابر موج جنایتی که سرمایه علیه او به راه انداخته است دست به چه کاری خواهد زد؟ این کارگران و همزنجیران انگلیسی و هلندی و اسکاتلندی و ایتالیایی و اسپانیایی آنان چرا تا به این حد در مقابل موج تطاول و بشرستیزی سرمایه عقب نشینی کرده اند؟ این عقب نشینی تا به کجا قرار است ادامه یابد؟ قرارگاه نهائی این پسرقت ها و وادادگی ها کجاست؟ آیا وقت آن رسیده است که کارگران آلمان، فرانسه، اسکاتلندی و همه کشورهای غربی به تاریخ طبقه و جنبش طبقاتی خود بازگردند؟ اینان نمی توانند انکار کنند که دستمزدهای بالاتر آن ها در قیاس با کارگر هندی و چینی و ایرانی و امکانات بیمه و آموزش و درمان و رفاه اجتماعی آن ها همه و همه محصول مبارزاتی بوده است که اسلاف انقلابی آنان در کمون پاریس و انترناسیونال اول و انقلاب اکبر به پیش برده بودند. این دستاوردها

دیرگاهی است که در توفان توحش طاعونی و مرگرای سرمایه با سرعت تمام در معرض فروریزی و نابودی است. چیز چندانی از ارثیه ارجمند آن خیزش ها و انقلاب ها باقی نمانده است. **انجماد هولناک گورستان مرگ اندود جنبش اتحادیه ای و سازش ننگین و خفت بار این جنبش با نظام بردگی مزدی اکنون کار را به جایی رسانده است که سرمایه داران به خاطر کوتاهی دولت خود در سلاخی بقایای آن دستاوردها و امکانات دست به اعتراض می زنند! زهی جسارت و گستاخی! این سناریوی سیاه فاجعه بار و ننگ آلود را بیش از این نباید تحمل کرد. تحمل این ننگ از سوی طبقه کارگر آلمان هیچ معنایی جز امضای خفت بار آمادگی برای قربان کردن کامل و تام و تمام خویش در درگاه بردگی مزدی ندارد.**

**کارگران علیه سرمایه متشکل شویم!**

**کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری (منطقه تهران)**

۱۳۸۷/۳/۱۴

[www.hamaahangi.com](http://www.hamaahangi.com)

[hamaahangi@gmail.com](mailto:hamaahangi@gmail.com)

## اعتصاب سراسر کوره های آجریزی ارومیه را فرا گرفت

داران کلیه حمام های منطقه را خاموش کرده اند تا به این ترتیب زنان و کودکان و خود کارگران را مجبور به تسلیم کنند. از این که بگذریم، نیروهای سرکوب سرمایه نیز هر روز سراغ کارگران و خانواده های آن ها می آیند. اینان مطابق معمول تلاش می کنند تا از طریق رعب و وحشت و ضرب و شتم و جنایات دیگر مقاومت توده های کارگر را به نفع صاحبان سرمایه در هم بشکنند. با همه این ها، کارگران همچنان ایستاده اند و مصمم اند که تا آخرین نفس مقاومت کنند. آنان اعلام کرده اند که تا تحقق کامل خواسته هایشان به اعتصاب ادامه خواهند داد. ۱۳ خرداد ۸۷

۱۵ ساعت شاق ترین کارها را انجام می دهند. فرسایش جسمی و روحی کارگران در این کوره ها وصف ناشدنی است. در اینجا شقاوت سرمایه بیداد می کند و روند کار، روند فرسایش هر چه پرشتاب تر و سهمگین تر هستی کارگر و نوب شدن هر چه جگر خراش تر این هستی در کوره های تولید سود برای سرمایه است.

سرمایه داران از پذیرش خواسته های کارگران امتناع می کنند. آنان نه فقط هیچ پاسخ مثبتی به تقاضای کارگران نداده اند بلکه برای ضربه زدن به اعتصاب آنان کثیف ترین و رذیلانه ترین توطئه ها را نیز تدارک دیده اند. سرمایه

اعتصاب کارگران کوره های آجریزی ارومیه همچنان ادامه دارد. روز ۱۲ خرداد کارگران چرخ کشی و بارگیری نیز به صورت یکپارچه به اعتصاب همزنجیران خویش پیوستند. با پیوستن این کارگران به صفوف اعتصاب کل تولید در در تمامی کوره پزخانه ها متوقف شده است و هیچ آجری در هیچ کوره ای تولید نمی شود. کارگران خواستار افزایش دستمزد و بهبود مؤثر شرایط کار خویش هستند. شدت استثمار و سختی شرایط کار در اینجا بیش از حد هولناک است. کارگران همراه با زن و بچه هایشان در آلودگی های نمور حاشیه کوره ها زندگی می کنند. آنان در هر شبانه روز بیش از

## دو کارگر در زیر آوار بتون سرمایه دفن شدند

در سلول های مغز صاحبان سرمایه فروکند. معضل فقط عدم درج اخبار قتل های حین کار نیست. شیوه درج و نگاه مسلط بر این شیوه خود بخش جدایی ناپذیری از فرهنگ کارگرکش سرمایه است: "یک کارگر ساختمانی از بالای دیوار پایین افتاد و مرد"، "یک کارگر افغان در اثر بی احتیاطی در چاه سقوط کرد"، "آسانسور جان دو کارگر را گرفت"، "تعدادی کارگر در آتش سوزی یک کارخانه جان خود را از دست دادند". حتی در گوشه های دیگر همین دنیای سراسر استثمار و وحشت و دهشت و سببیت سرمایه وقتی چند کارگر حین کار جان می بازند، برای مدتی طولانی چگونگی مرگ آن ها و دلیل حادثه و کشف مقصر آن دست کم

مهم برای این که اخبار قتل کارگران در حین کار بسیار کم بخش می شود این است که اساساً جان کارگر و موجودیت او در جهنم سرمایه داری ایران حائز هیچ اهمیتی نیست. شاید به زعم رسانه های خبری سرمایه اعلام مرگ کارگر اهانتی به ارزش اخبار است. در دنیای آن ها، کارگر اساساً عددی نیست که خبر قتل او لایق درج در رسانه های جمعی باشد. طبقه سرمایه دار ایران و دولتش نوع نگاه خود به کارگر را از اسلاف زمیندار قرون وسطایی یا پیشینیان برده دار آریایی خویش به ارث برده اند، زیرا جنبش کارگری ایران در هیچ دوره ای توان آن را نیافته است که اعتبار و ارزش و جا و مکان کارگر را به ضرب قدرت پیکارش

هیچ معلوم نیست که از هر ۱۰۰ نفر کارگر که حین کار جان می بازند اخبار قتل چند نفر از آن ها در روزنامه ها درج می شود. مشکل برای انعکاس این خبرها فقط فضای دم کرده پلیسی و سانسور اخبار نیست. طبقه سرمایه دار ایران و دولت آن در این زمینه خاص دست کم در شرایط کنونی شاید نیاز زیادی به سانسور هم احساس نکنند. **مدافع کارگری که حین کار برای سرمایه کشته می شود فقط جنبش طبقه اوست** و مادام که این جنبش زیر فشار ضعف هایش قدرت دفاع از کارگران و بازخواست و محاکمه سرمایه داران قاتل را ندارد پیداست که حتی سانسور اخبار قتل ها هم برای قاتلان و دولت قاتل آن ها ضرورت چندانی ندارد. یک دلیل

خوراکی برای بوروکراسی و مطبوعات سرمایه می‌شود. در جهنم سرمایه داری ایران نقطه شروع و پایان حادثه فقط در طول و عرض یک جمله کوتاه خلاصه می‌شود. هیچ سخنی از علت اصلی وقوع حادثه به میان نمی‌آید. قاتلان که در تمامی جاها بدون هیچ اگر و اما صاحبان سرمایه اند از مصونیت تام و تمام طبقاتی برخوردارند و از پیش معلوم است که

در ازای قتل یک کارگر یا هزاران کارگر مشمول هیچ بازخواستی نخواهند بود. اخبار حادثه روز ۱۲ خرداد خیابان فاطمی تهران نیز دقیقاً از نوع همین خبر دادن‌ها است: " دو کارگر در غیاب مهندس ناظر حین گودبرداری یک ساختمان به علت رعایت نکردن اصول ایمنی زیر آوار بتون مردند". خبر، اولاً از پیش مهندس ناظر سرمایه دار یا شریک صاحبان

سرمایه را از هر نوع تقصیری تبرئه کرده و ثانیاً کارگران مقتول را به عدم رعایت اصول ایمنی متهم نموده است. البته، چنان که گفتیم، بنگاه خبرگزاری نیازی به این کار ندارد. در جامعه ایران، حتی سرمایه داران دست صدم هم در قبال قتل کارگران مصونیت خدادادی دارند. ۱۳ خرداد ۸۷

## باج خواهی شهرداری سقز از تعاونی مسکن کارگران

شهرداری سقز در ازای ارائه خدمات به تعاونی مسکن کارگران سقز خواهان تصرف ۶۰٪ زمین‌های این تعاونی شده است. شهرداری قبلاً نیز مبلغ ۱۲۰ میلیون تومان از تعاونی کارگران گرفته است. این باج خواهی شهرداری از جمله نمونه‌هایی است که نشان می‌دهد کارگران ایران فقط تحت فشار کمرشکن استثمار کارفرمای مستقیم خود نیستند بلکه نهادهای دولتی نیز به انحای گوناگون بر همان سطح

معیشت بسیار نازل کارگران هجوم می‌برند و بخش‌های دیگری از دستمزد آنان را می‌چاپند و به تاراج می‌برند. بدیهی است که بخشی از زمین تعاونی کارگران باید صرف خیابان‌کشی منطقه مسکونی کارگران و تأسیسات عمومی دیگر این منطقه شود، اما باج خواهی شهرداری از این دست نیست و این نهاد سرمایه می‌خواهد با استفاده از زمینی که متعلق به کارگران است و حاصل سال‌ها جان‌کندن آنان است تأسیسات

متعلق به خود را برای چاپیدن هرچه بیشتر کارگران درست کند. شهرداری در ضمن تهدید کرده است که در صورت عدم اجابت خواسته او سرو کار تعاونی مسکن کارگران با نیروی انتظامی خواهد بود. ۱۳ خرداد ۸۷

## گسترش دوباره اعتصاب معلمان در نروژ

روز یکشنبه در جلسه اتحادیه سراسری معلمان (SKOLENES) SL کارگران بخش هنر و موزیک با اکثریت آرا مسئولان این اتحادیه را مجبور کردند که به اعتصاب همکاران خویش بپیوندند. بر همین اساس، امروز دوشنبه دوم ماه ژوئن ۳۱۲ نفر از معلمان هنر و موزیک در ۲۳ شهر و کمون نروژ به اعتصاب همزنجیران معلم خود ملحق شدند. معلمان ۲ هفته است که در اعتصاب بسر می‌برند. اتحادیه SL زیر فشار کارگران آموزشی عضو خود با صدور بیانیه‌ای به دولت هشدار داد که در صورت امتناع از قبول خواست‌های معلمان، روز جمعه ششم ژوئن تعداد بیشتری از آنان در مناطق مختلف نروژ به اعتصاب خواهند پیوست. افزایش دستمزد مهم‌ترین خواست کارگران معلم در جریان این اعتصاب است. تا لحظه کنونی بیش از ۱۱۵۰۰ نفر معلم، پرستار، پرسنل مهد کودک‌ها، پژوهشگران و

فیزوتراپ‌ها در نروژ به صفوف اعتصاب پیوسته‌اند.

کارگران از روحیه بسیار بالایی برخوردارند و در مصاحبه‌های مطبوعاتی اعلام کرده‌اند که تا رسیدن به تمامی خواست‌های خود به اعتصاب ادامه خواهند داد. مهم‌ترین مشکل کارگران این است که جنبش اتحادیه‌ای صفوف آنان را شقه شقه کرده است. آنان در سه اتحادیه مجزا عضو هستند و تا زمانی که هر سه اتحادیه به طور همزمان اعلام اعتصاب نکنند، تعطیل مدارس و مهد کودک‌ها و اعمال قدرت وسیع و سراسری کارگران آموزشی این مؤسسات غیرممکن است.

در لحظه کنونی فقط اتحادیه utdanningsforbundet در حال اعتصاب است. اکثریت کارگران مهد کودک‌ها عضو اتحادیه دیگری هستند که با کارفرمایان به توافق رسیده است. اتحادیه FAGFORBUNDET

شعبه اسلو در خبرنامه شماره ۱۷ خود که روز شنبه منتشر شد، به تمامی اعضای خود در مهد کودک‌های شهر اسلو اخطار کرده است که از همکاری با معلمان دیگر و هر نوع حمایت از اعتصاب آنان به طور جدی خودداری کنند!! رؤسای این اتحادیه تأکید کرده‌اند که با کارفرمایان به توافق رسیده‌اند و هیچ دلیلی برای تعطیل کار وجود ندارد. اقدام ضد کارگری و اعتصاب شکنانه مسئولان این اتحادیه موجب خشم و نفرت همه کارگرانی شده است که در مهد کودک‌ها در حال اعتصاب به سر می‌برند. یادآوری می‌کنیم که اتحادیه سراسری نروژ LO و دیگر اتحادیه‌های کارگری از اعتصاب کارگران حمایت نکرده‌اند و با پیش‌روی تمام به سکوت و قیحانه خود ادامه می‌دهند. ژوئن ۲۰۰۸

## ادامه اعتصاب کارگران هفت تپه و لزوم برون رفت از وضعیت کنونی

کارگران نیشکر هفت تپه روز بیست و هشتم اعتصاب خویش را پشت سر نهادند. در روزهای اخیر فشار نیروهای قهر و سرکوب سرمایه بر کارگران بیش از پیش تشدید شده

است. دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی دولت سرمایه کارگران را در خارج از محیط کارخانه، در خیابان‌ها، کوچه‌ها و از توی خانه‌هایشان می‌زدند. فعالان کارگری را به

سیاهچال می‌برند. شکنجه می‌کنند و تهدید به مرگ می‌نمایند. سرکوبگران به این نیز اکتفا نمی‌کنند. زنان کارگران را مورد اذیت و آزار قرار می‌دهند و بسیار وقیحانه و بیشرمانه از

- ۱- ایجاد شورای کارگری از دل مجمع عمومی تمام کارگران و تلاش برای سراسری کردن این شورا از طریق ارتباط با کارگران کارخانه های در معرض تعطیل.
- ۲- تصرف کارخانه و اداره آن توسط این شورا.
- ۳- فراخوان به طبقه کارگر ایران و جهان برای حمایت موثر و کارآمد از شورای کارخانه.
- ۴- مذاکره با دولت با تکیه بر نیروی متحد و متشکل کارگران و حمایت های محلی و بین المللی برای واداشتن دولت به تامین رایگان مواد اولیه و دیگر نیازهای تولید از محل بودجه ای که صرف وام دادن به صاحبان کارخانه های بحران زده می شود.
- ۵- فراخواندن همه مردم به سفارش نیازهایشان در مورد شکر به کارخانه نیشکر هفت تپه و واریز پیشاپیش وجوه این سفارش ها به حساب شورای کارخانه.
- ۶- ...

۱۲ خرداد ۸۷

جرم مطالبه دستمزد معوقه راهی سپاهچال می کنند از نمایندگان این کارگران می خواهند به پشت میز مذاکره بیایند!! کارگران با آگاهی به این واقعیت که احضار نمایندگان آن ها صرفا دسیسه ای برای دستگیری آنان است درخواست صاحبان سرمایه و عمال دولتی آن ها را رد کردند. آنان اعلام کردند که مطالبات ما بسیار شفاف است و نیاز به هیچ مذاکره ای ندارد. اگر هم عمال سرمایه چنین نیازی احساس می کنند خود به میان کارگران بیایند و با تمام کارگران حرف بزنند.

اعتصاب و مبارزه کارگران همچنان ادامه دارد. اما واقعیت این است که مبارزه کارگران هفت تپه اکنون دیگر دارد دور خودش می چرخد. ماندن در این دور ثابت سرانجام ممکن است کارگران را خسته و فرسوده و آماده دست کشیدن از مبارزه کند و این همان چیزی است که سرمایه و دولت آن می خواهد. اکنون وقت آن رسیده است که کارگران راهکار تازه ای برای پیکار خود برگزینند. پیشنهاد ما در مورد این راهکار به طور خلاصه چنین است:

انان می خواهند که شوهرانشان را از مطالبه دستمزدهای معوقه خود باز دارند. بسیار صریح و گستاخ زنان را تهدید می کنند که اگر چنین نکنند شوهرانشان را از دست خواهند داد و بیوه خواهند شد. دولت سرمایه برای به شکست کشاندن مبارزات کارگران به همه این جنایات دست زده اما کارگران همچنان استوار و مصمم به مبارزات خود ادامه می دهند. آنان در روز بیست و هشتم اعتصاب مثل روزهای دیگر در محوطه کارخانه اجتماع کردند و آنگاه با صفوف فشرده چندین هزار نفری به سوی دفتر شرکت و مقر عمال سرمایه راه پیمایی کردند. کارگران مطابق معمول شروع به سر دادن شعار کردند و مطالبات خویش را فریاد زدند. در این روز نیز عمه و اکره سرمایه در مقابل موج فریادهای خشمگین کارگران شروع به دروغ بافی و دسیسه چینی کردند. آنان از پشت بلندگوها اعلام کردند که کارگران نمایندگان خویش را برای مذاکره به فرمانداری اعزام کنند، توطئه کثیفی که برای همه کارگران هفت تپه بسیار آشنا است. سرکوبگرانی که کارگران را از برابر چشمان کودکشان می دزدند و به

## کارگران قرچک در مقابل انجمن صنفی

تفکیک کرده اند. سرمایه داران و دولت و انجمن صنفی کارگران در یک سوی و کارگران کوره های آجرپزی در سوی دیگر قرار گرفته اند. کاش آنچه این کارگران انجام داده اند توصیه کنندگان ایجاد سندیکا را - که در واقع شکل اپوزیسیونی همان انجمن صنفی است - اندکی به فکر وای داشت.

۱۲ خرداد ۸۷

در کوران این مجادلات و ستیز و اعتصابات یک ماهه، اعضای انجمن صنفی کارگران کوره های آجرپزی سراسیمه به میدان دیده و اعلام کرده اند که ۱۲۵۰۰ تومان از سر کارگران هم بسیار زیاد است و هر کارگری که این سطح دستمزد را قبول ندارد اخلاکگر و محل امنیت ملی است. کارگران کوره های قرچک در همان نخستین گام اعتصاب به این نتیجه منطقی رسیده اند که باید جنگ خویش علیه کارفرمایان و دولت آن ها را با جنگ علیه انجمن صنفی به هم بیاویزند. آنان همین کار را کرده اند و به این ترتیب با آگاهی و درایت صف ها را از هم

آنچه این روزها در کوره های آجرپزی قرچک جریان دارد گوشه بسیار کوچکی از رشته طولانی و تاریخی تقابل کارگران با تشکل هایی چون انجمن صنفی و سندیکا است. کارگران ۴۰ کوره آجرپزی نزدیک یک ماه است که دست از کار کشیده و در اعتراض به سطح نازل دستمزدهایشان چرخ تولید را از کار انداخته اند. مطالبات کارگران از آغاز بسیار روشن بوده است. آنان تأکید کرده اند که دستمزد ۱۲۵۰۰ تومان در مقابل ۱۰۰۰ آجر را تحت هیچ شرایطی قبول ندارند و خواستار افزایش دستمزد خویش به میزان ۱۵۰۰۰ تومان هستند.

## فریاد خشم خانواده های کارگران سوخته در آتش سرمایه

غرامتی دریافت نمی کنند و از هیچ نوع امکانی برای ادامه زندگی و تأمین معاش خود هم برخوردار نیستند. تظاهر کنندگان علیه همه این جنایات دست به اعتراض زدند.

۱۲ خرداد ۸۷

زیادی از کارگرانی که در آتش سوداندوزی سرمایه سوخته اند از هیچ شکل تأمین اجتماعی و هیچ نوع بیمه ای برخوردار نبوده اند. آنان سالیان دراز به شدیدترین وجه ممکن و در هولناک ترین شرایط توسط سرمایه استثمار شدند و سرانجام در میان شعله های آتش سودجویی سرمایه پرپر گردیدند، بی آن که از هیچ گونه بیمه ای برخوردار باشند. زنان و فرزندان این کارگران به همین دلیل هیچ

افراد خانواده های کارگران سوخته در آتش سرمایه در شازند اراک دست به راه پیمایی زدند. آنان علیه سکوت عمال دولتی سرمایه در مقابل وقوع این جنایت فریاد اعتراض سر دادند. زنان و کودکان قربانیان آتش سوزی اعلام کردند که مقصر واقعی وقوع این حادثه شوم صاحبان سرمایه اند. آنان هستند که برای صرفه جویی در هزینه ایمنی محیط کار موجب مرگ همسران و پدران و فرزندان آنان شده اند. شمار

## مرگ جانفروش دو کارگر در حین کار

برای انتقال محموله های این شرکت از آسانسور استفاده کرده اند. سرمایه دار مالک شرکت حتی با فرض این که مالک کل ساختمان نباشد مسؤل رفع خرابی آسانسور و تضمین سلامتی کارگران شرکت است. او است که به دلیل امتناع از قبول هزینه های ایمنی شرایط کار باعث قتل این دو کارگر و گرسنگی افراد خانواده آن ها شده است. ۱۲ خرداد ۸۷

خرابی کیست؟ و سرمایه دار صاحب شرکت برای جلوگیری از این خرابی چه کاری انجام داده است؟ همه این پرسش ها در گزارش رسانه ها بدون پاسخ مانده است. با همه این ها و به رغم این بی جوابی ها، چند چیز روشن است. دو کارگر برای سرمایه دار صاحب یک شرکت کار می کرده اند. آنان در حین حمل بار شرکت دچار حادثه شده و جان باخته اند. کارگران

روزنامه ها از مرگ فجیع دو کارگر در هنگام حمل بار توسط آسانسور در خیابان پاسداران تهران در ظهر روز جمعه ۱۰ خرداد خبر داده اند. اخبار روزنامه ها جز محل و زمان حادثه هیچ چیز را مشخص نکرده است. شرکتی که این دو کارگر برایش بار حمل می کرده اند کدام شرکت است؟ به کدام سرمایه دار تعلق دارد؟ علت خرابی آسانسور چه بوده است؟ مسؤل این

## خطر خودکشی زیر فشار گرسنگی در کارخانه چوب طالقانی

خانواده های آن ها نداده است، اما رسم متعارف سرمایه این است که پلیس و نیروی انتظامی را مأمور خفه کردن فریاد این گرسنگان سازد. یک سؤال اساسی در میان آن است که کارگران چه کنند؟ آنان از این توان برخوردارند که متشکل و متحد شوند، کارخانه را تصرف کنند و خود آن را اداره نمایند. این کار آسان نیست، اما هرچه باشد از تحمل وضعیت کنونی سخت تر نیست. آنان می توانند از همه همزنجیران خویش بخواهند تا به حمایت از مبارزانشان و اقدام آن ها در تصرف کارخانه برخیزند. دولت وظیفه دارد که کلیه نیازهای راه اندازی کارگاه را به صورت رایگان در اختیار کارگران قرار دهد و کارگران باید انجام این وظیفه را با قدرت خویش و توده های همزنجیر طبقه خود بر سرمایه داران و دولت آن ها تحمیل کنند.

۱۲ خرداد ۸۷

صورت می گیرد، کارخانه به ورطه وضعیت حاضر فرو می غلظد، کارها تعطیل و کارگران بیکار می شوند.

کارگران اینک برای چندمین بار در مقابل وزارت کار سرمایه دست به تحصن زده اند. در این تحصن تمامی اعضای خانواده کارگران حضور دارند. بیش از ۲۰۰ کودک و زن و پیر و جوان زیر فشار گرسنگی ناشی از ۱۷ ماه تأخیر دستمزدهای نازل نان آور خانواده، فریاد اعتراض سر داده اند و خواستار پرداخت فوری دستمزدها هستند. بر اساس گفته های افراد خانواده ها شمار زیادی از کارگران بارها زیر فشار فقر و فروماندگی از تهیه نان فرزندانشان در تدارک خودسوزی و خودکشی بوده اند. زن ها فریاد می زنند که هیچ تضمینی برای جان شوهران خود احساس نمی کنند. خطر دست زدن این کارگران به خودکشی هر نوع آرامش را از همه افراد خانواده سلب کرده است. وزارت کار سرمایه هنوز پاسخی به کارگران و

کارگران کارخانه چوب طالقانی ۱۷ ماه تمام است که حتی یک ریال هم دستمزد دریافت نکرده اند. این کارگران ماه ها است که علیه این وضعیت به همه اشکال اعتراض و مبارزه دست زده اند. آنان از برگزاری اجتماعات مختلف تا سازمان دادن تحصن و مراجعه به سازمان ها و نهادهای مربوط و کارهای دیگر را همه انجام داده اند، اما به هیچ نتیجه ای نرسیده اند. کارخانه چوب طالقانی در منطقه احمدآباد قرار دارد. ۵۳ کارگر در اینجا استثمار می شوند. کارخانه ۱۷ ماه است که بدون طرح هیچ دلیلی از سوی کارفرما تعطیل شده است. کارگران در تمامی این مدت در انتظار بازگشت به کار و دریافت دستمزدهای پرداخت نشده خویش به سربرده اند، اما نه کارفرما و نه هیچ نهاد دولتی هیچ پاسخی به آنان نداده است. ماجرا از این قرار است که دو سال پیش بر اساس زدوبندهای سودجویانه مافیایی که میان عوامل سرمایه در وزارت کار با کارفرما

## گسترش موج گرسنگی در میان کارگران

فروخواهد برد. برای مقابله با این موج جز متشکل شدن علیه سرمایه، اعمال قدرت متحد طبقاتی و سراسری علیه نظام بردگی مزدی و تحمیل منشور مطالبات پایه ای طبقه کارگر بر سرمایه داری و دولت سرمایه داران هیچ راه دیگری وجود ندارد. ۱۲ خرداد ۸۷

این طرح قرار خواهند گرفت. قراردادهای موقت کارترین سلاح تشدید سببانه استثمار کارگران توسط سرمایه و سلاخی هر چه جنایتکارانه تر کارگران به نفع افزایش سودهای افسانه ای سرمایه داران است. با گسترش بیش از پیش دامنه شمول قراردادهای موقت به طور قطع سطح دستمزدهای کارگران از آنچه هست نیز پائین تر خواهد رفت و موج گرسنگی و فقر و فلاکت کل طبقه کارگر را در کام خود

بر اساس آنچه که حتی عوامل سرمایه در شورای عالی کار می گویند بیش از ۷۰٪ کارگران شاغل ایران در چهارچوب قراردادهای موقت به کار مشغولند و دستمزد ماهانه آنان بین ۵۰ تا ۱۰۰ هزار تومان است. این عوامل اضافه می کنند که طرح قراردادهای موقت با شتاب هر چه بیشتر به کل رابطه خرید و فروش نیروی کار در جامعه گسترش خواهد یافت و ۳۰٪ باقی مانده کارگران نیز در شمول

## ادامه اعتصاب کارگران کوره های آجری قرچک

اعتصاب ۳۰۰۰ نفری کارگران ۲۶ روز است که ادامه دارد. کوره ها همه جا خاموشند و هیچ آجری در این واحدها تولید نمی شود. زمان کار

خواستار افزایش دستمزد به میزان ۱۵۰۰۰ تومان در هر روز هستند. دستمزد روزانه این کارگران در حال حاضر ۱۲۵۰۰ تومان است.

کارگران ۴۰ کوره آجری در قرچک همچنان در اعتصاب به سر می برند. بیش از ۳۰۰۰ کارگر در این اعتصاب شرکت دارند. کارگران

کارگران در هر شبانه روز ۱۷ ساعت است. آنان در مرگبارترین شرایط کاری بدون هیچ امکانات و بدون داشتن هیچ نوع وسایل ایمنی به صورت مستمر در کنار شعله های آتش کار می کنند. آنچه در این کوره پزخانه ها جریان دارد نمایش هولناک ترین صحنه های شدت استثمار نیروی کار توسط سرمایه است. تمامی افراد

خانواده این کارگران از کودک و جوان و پیر و زن و مرد اعتصاب را همراهی می کنند. در ماه های اخیر بهای آجر به صورت سرسام آوری بالا رفته است. همزمان بهای ارزاق عمومی و نیازهای زندگی کارگران نیز به گونه ای کم سابقه افزایش یافته است. معنای واقعی این تحولات آن است که از یک سو سود سرمایه

داران به خاطر بالا رفتن قیمت آجر بیش از پیش فوران کرده و از سوی دیگر دستمزد واقعی کارگران به دلیل فشار گرانی ها افت نموده است. کارگران کوره های فرچک اعلام کرده اند تا حصول توافق کامل بر سر افزایش دستمزد درخواستی به اعتصاب خویش ادامه خواهند داد. ۱۱ خرداد ۸۷

## ۳۰۰ کارگر قند قهستان بیکار می شوند

سرمایه دار صاحب کارخانه قند قهستان اعلام کرده که به دلیل اشغال بازار فروش شکر توسط تراست های عظیم وارد کننده شکر مایل به ادامه کار در این حوزه نیست و مصمم است که همه سرمایه های خود را به حوزه های پرسودتر منتقل کند. کارفرمای شرکت به همین دلیل فروش کارخانه را به مزایده گذاشته و آگهی فروش را در روزنامه ها منتشر کرده است. با تعطیل شرکت قند قهستان ۳۰۰ کارگر بیکار می شوند و به خیل عظیم چندین میلیونی همزنجیران بیکار خویش ملحق می گردند.

کارگران در حال اخراج ۴ ماه تمام است که ریالی دستمزد دریافت نکرده اند. خطر بیکارسازی این کارگران مدت ها است که به سان شمشیری آخته در بالای سرشان چرخ می خورده است. این خطر اکنون به واقعیت پیوسته است. کارگران اعتراض خود را به شکل های مختلف ابراز کرده و می کنند. یک چیز روشن است: راه حل اساسی مشکلات کارگران عبارت است از تشکیل شورای ضد سرمایه داری، جلوگیری از فروش کارخانه، تصرف کارخانه و به دست گرفتن برنامه ریزی کار و

تولید توسط این شورا، استمداد از همه کارگران ایران و درخواست از آنان که در یک اعمال قدرت متحد و گسترده دولت را مجبور کنند که تمامی نیازهای ادامه کار کارخانه را به صورت رایگان در اختیار شورای کارگران قرار دهد. کارگران در همان حال باید بر پرداخت کامل حقوق زمان اشتغال خویش در تمامی دوران بیکاری اصرار ورزند.

۱۱ خرداد ۸۷

## ۵ ماه کار بدون حقوق در کارخانه حریر مازندران

کارگران کارخانه حریر مازندران ۵ ماه است که دستمزدهای ماهیانه خود را دریافت نکرده اند. این کارخانه در مالکیت یک نهاد دولتی با نام «سازمان بازنشستگان کشوری» قرار دارد. به دنبال جار و جنجال خصوصی سازی و اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی دولت سرمایه داری ایران، کارخانه به تیول سرمایه داران خصوصی در آمده است. ما بارها توضیح داده

ایم که مشکل کارگران خصوصی یا دولتی بودن سرمایه نیست. تمامی سیه روزی های آنان از ذات خود سرمایه و موجودیت نظام سرمایه داری می جوشد. با این وجود به کرات این را تشریح کرده ایم که جنجال خصوصی سازی یک راهکار طبقه سرمایه دار و دولت آن ها برای تشدید هر چه سبانه تر استثمار کارگران توسط سرمایه است. تأخیرهای طولانی چندین

ماهه در پرداخت دستمزدهای نازل کارگران و روند پر شتاب بیکارسازی ها از جمله عوارض این تغییر و تحول های حساب شده سرمایه داری ایران در موقعیت کنونی است.

۱۱ خرداد ۸۷

## ۶ کارگر روسی زیر آوار دفن شدند

جان کارگر در جامعه سرمایه داری یعنی در نظام بردگی مزدی هیچ گونه ارزشی ندارد. آسمان دنیای سرمایه داری همه جا یکرنگ است و اگر تفاوتی در این آسمان قابل مشاهده باشد صرفاً آثار رعد و برقی است که جنبش کارگری بر سیمای آن حک کرده است. سرمایه داران تنها در شرایطی حاضر به قبول حداقل هزینه برای ایمنی شرایط کار کارگران می شوند که جنبش کارگری قبول این هزینه را بر آن ها تحمیل کرده باشد. در غیراین صورت،

ترجیح می دهند که هر روز هزاران کارگر در میان شعله های آتش خاکستر شوند، از بالای دیوارها سقوط کنند، در اعماق معدن ها دفن شوند، در ته دریاها طعمه ماهی ها گردند، در حوضچه های گالوانیزه هر چه رقت بارتر جان دهند اما دیناری از سوده های سرسام آور خویش را صرف حفظ جان کارگران نکنند. روسیه از جمله جوامعی است که شمار قربانیان سوانح کار در آن بالا است. هر سال ۱۴۰۰ کارگر فقط در زیر آوارهای فرو ریخته معدن این کشور

دفن می شوند. چند روز پیش نیز ۶ کارگر به همین دلیل جان خود را از دست دادند. جمله « دلیل حادثه هنوز روشن نیست» عبارتی بسیار آشنا برای همه کارگران دنیا است. این جمله ای است که نظام سرمایه داری در همه جای جهان به محض وقوع سوانح حین کار و قربانی شدن کارگران بر زبان می راند و در روزنامه ها چاپ می کند. ژوئن ۲۰۰۸

## کارگران بندر سن آنتونیو در شیلی دست از کار کشیدند

علت این اعتصاب، شرایط بسیار بد کار و سطح نازل دستمزدها است. با شروع اعتصاب، سیستم حمل و نقل شیلی و روند کار برخی

کارخانه ها دچار اختلال شد. گزارش ها حاکی است در همان دقائق نخست آغاز اعتصاب یک محموله عظیم مس متعلق به شرکت معدن دولتی

آل تنینت بارگیری نشد و حمل آن برای مدت نامعلومی به تأخیر افتاد. کارگران خواستار بهبود فوری شرایط کار و افزایش دستمزدها

میلیارد دلاری مس معدن دولتی در این بندر صورت می گیرد. ژوئن ۲۰۰۸

هستند. بندر سن آنتونیو در ۱۲۰ کیلومتری جنوب غربی سانتیاگو پایتخت شیلی قرار دارد. بخش اعظم حمل و نقل محموله های چندین

## اعتصاب رانندگان تاکسی در فرانسه

سودهای خود نیست و به ناچار تمامی فشار افزایش بهای مواد سوختی را از طریق بالا بردن بهای محصولات یا « خدماتی»!! که به بازار عرضه می کند یگراست به سطح دستمزد توده های کارگر منتقل می سازد.

ژوئن ۲۰۰۸

اعلام کرده اند که به صفوف اعتصاب کنندگان خواهند پیوست. در طول ماه های اخیر بهای مواد سوختی در ممالک مختلف اروپا بین ۱۲٪ تا ۱۷٪ افزایش یافته است. این افزایش همه جا به طور کامل و گاه به صورت مضاعف روی زندگی کارگران سرشکن شده و مزدهای واقعی آن ها را کاهش داده است. هیچ سرمایه داری حاضر به کاهش دیناری از

در حال حاضر جمعیت کثیری از رانندگان فرانسوی در اعتصاب به سر می برند. دلیل این اعتصاب، افزایش بهای سوخت است. اهالی شهرها با کشیدن پارچه های سیاه بر روی کامیون های حمل سوخت و پمپ بنزین ها اعتراض خود را به افزایش بهای بنزین ابراز کرده اند. آخرین خبرها حاکی است که رانندگان تاکسی های دولتی و آمبولانس ها نیز

## کارگران هفت تپه در بیست و پنجمین روز مبارزه

بیشتری آن ها در تکرار مستمر این دروغ ها خود دال بر وحشت و هراس سرمایه داران از ادامه مبارزات جاری است. درست به همین دلیل با صلابت تمام فریاد می زنند: وعده های مزورانه را به دور اندازید. خواست ما پرداخت فوری دستمزدهای معوقه و همه مطالبات دیگر است.

در این روز کارگران بار دیگر خواستار حمایت فوری و عملی توده های همزنجیرشان از اعتصاب خویش شدند. کارگران با سر دادن شعار خطاب به کلیه کارگران نفت، خودرو سازی ها و کارگران جاهای دیگر فریاد می زنند: از مبارزه ما حمایت کنید.

۱۰ خرداد ۸۷

مورد انزجار و نفرت و خشم کارگران از طریق تلفن همراه متصل به بلندگوی کارخانه اعلام کرده بود که دستمزدهای معوقه کارگران تا روز پنجشنبه ۹ خرداد پرداخت خواهد شد. در آن روز کارگران یکصدا اعلام کردند که فریب این دروغ ها را نخواهند خورد و در ادامه اعتصاب و پیکار دچار هیچ تردیدی نخواهند شد.

در روز نهم خرداد همان گونه که کارگران به درستی و بسیار آگاهانه تصریح کرده بودند هیچ خبری از تحقق وعده های عمال سرمایه در میان نبود. کارگران در همان حال خوب درک می کردند که نفس عوام فریبی ها و دروغ پردازی های روز به روز صاحبان سرمایه و

اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه در صبح روز نهم خرداد با همان وسعت و قدرت روزهای پیش ادامه یافت. در این روز باز هم چندین هزار کارگر در محل کارخانه و در مقابل دفتر مرکزی مدیریت اجتماع کردند. کارگران با سر دادن شعارهای همیشگی اعلام کردند که مقاومت عمال سرمایه در قبول مطالباتشان هیچ خللی در عزم استوار آنان برای ادامه مبارزه ایجاد نکرده است، همگی متحد و یکصدا فریاد زدند که این مبارزات تا دستیابی قطعی به همه مطالبات اعلام شده ادامه خواهد یافت. در این روز عمال سرمایه دوباره از بلندگوی دفتر شرکت شروع به عوام فریبی و دادن وعده های دروغ کردند. همان گونه که در خبرها خواندیم یک روز قبل شفيعی مدیرعامل

## گسترش اعتصابات کارگری در نروژ

دیگر از این اعتصاب حمایت نکرده اند. این اتحادیه ها با کمال وقاحت و بیشماری در منجلاب سکوت فرو رفته اند. روز پنجشنبه خانم Bente Grinstad یکی از رهبران کمیته اعتصاب در شهر Bærum در جلسه ای که بیش از ۸۰۰ نفر اهالی شهر در آن شرکت کرده بودند، سخنان خود را با این جمله شروع کرد: « اتحادیه سراسری بخش خدمات شرمناک باد!». او اتحادیه را به خاطر امتناع از هر نوع اعلام حمایت از اعتصاب کارگران آموزشی با لحنی بسیار تند مورد سرزنش قرار داد. Bente Grinstad گفت که مردم از ما حمایت می کنند و بر همین اساس به همه اطمینان می دهم که ما پیروز خواهیم شد. او در ادامه سخنان خود بر ضرورت ادامه اعتصاب تأکید کرد. آخرین خبرها حاکی است که در روز چهارشنبه این هفته آقای Bård Hogstad یکی از مسؤلان

سطح جامعه یافته است. امتحانات پایان سال دانش آموزان نزدیک است و کارفرمایان برای پایان دادن به اعتصاب زیر فشار قرار دارند. معلمان با برگزاری میتینگ ها و جلسات مختلف در میدانی اصلی شهر، دست به روشنگری زده و دلایل اعتصاب را برای شهروندان توضیح می دهند. روزنامه ها و رسانه های جمعی بورژوازی زیر فشار افکار عمومی خود را مجبور به انعکاس اخبار اعتصاب دیده اند. در یک نظر سنجی عمومی که توسط روزنامه معتبر Aftenposten به عمل آمده است بیش از ۸۱ درصد اهالی نروژ و ۹۱ درصد از دانش آموزان این کشور از اعتصاب پشتیبانی کرده و خواستار تحقق فوری مطالبات معلمان و کارگران آموزشی هستند. تا لحظه کنونی اتحادیه سراسری کارگران نروژ LO و هیچ کدام از اتحادیه های کارگری

اعتصاب کارگران معلم و سایر بخش های آموزشی و تربیتی نروژ در حال گسترش است. ۳۰۰۰ معلم در شهرهای مختلف، جز اسلو پایتخت این کشور، مدت هاست که در اعتراض به سطح پایین دستمزدهایشان در حال اعتصاب به سر می برند. روز یکشنبه ۲۵ ماه مه ۵۱۵ نفر از کارگران معلم، پرستار، پرسنل مهد کودک، فیزیوتراپ و پژوهشگر شهر اسلو به اعتصاب ملحق شدند. اعتصاب بازهم گسترش یافت. روز جمعه ۲۹ ماه مه ۲۴۴ نفر دیگر از کارگران همین بخش ها در شهر اسلو، ۸۱۶ نفر در شهر Tønsberg، ۴۱۷ نفر در شهر Oppegård، ۱۰۷۵ نفر در شهر Trondheim و بالاخره ۲۲۹۱ نفر در شهر Stavanger دست از کار کشیدند و به صفوف همزمان دیگر خود پیوستند. اعتصاب معلمان و کارگران آموزشی دیگر بازتاب وسیعی در

اتحادیه FO زیر فشار افکار عمومی اتحادیه متبوع خود را به خاطر عدم حمایت از مبارزات کارگران به باد انتقاد گرفته و استعفای خود از

FO را به اطلاع مردم نروژ رسانده است. مه ۲۰۰۸

## پیروزی کارگران نساجی ایران برک رشت

ما این پیروزی را به کارگران مقاوم و مبارز ایران برک رشت تبریک می‌گوییم و برای آنان آرزوی موفقیت می‌کنیم.

فعالان کارگری ضدسرمایه داری گیلان  
۱۰ خرداد ۸۷

اخراج کرد. به دنبال این اقدام ضدکارگری کارفرما، کارگران رسمی و دائمی به حمایت از کارگران قراردادی برخاستند و دست به اعتصاب زدند. پس از یک روز اعتصاب کارگران، کارفرما مجبور شد کارگران اخراجی را به سرکار بازگرداند.

پس از اعتصاب موفقیت آمیز کارگران ایران برک که با بستن جاده رشت- لاکان در تاریخ ۸۷/۲/۲۹ همراه بود و به دخالت سرکوبگرانه پلیس و یگان ویژه نیروی انتظامی انجامید، کارفرما حيله گرانه با پرداخت دستمزد موقه تمام کارگران موافقت کرد اما پس از پرداخت دستمزدها کارگران قراردادی کارخانه را

## کارخانه نساجی پارس ایران

و عده سرخرمن داده است. ۳ نفر از این کارگران برای دریافت تنمه حقوق بازنشستگی خود به دادگاه رشت شکایت کردند و حکم توقیف اموال کارفرما در کارخانه را گرفتند و ماموران پاسگاه لاکان اقدام به توقیف دستگاه بویلر و ژنراتور کارخانه کردند. گفتنی است که پس از این اقدام کارگران، کارفرما جهت جلوگیری از توقیف بیشتر اموالش - که برای خواباندن سرو صدای کارگران صورت می‌گیرد- در اقدامی پنهانی دستگاه تراش و رنگ ها و ضایعات موجود در انبارها را مخفی کرده است!

۱۰ خرداد ۸۷

نیز مبالغی بالغ بر میلیاردها تومان به صورت وام از وزارت صنایع و ستاد بحران استانداری گیلان دریافت کرده اما کوچک ترین اقدامی برای بازگشایی کارخانه انجام نداده است. در عوض، با پول این وام ها کارخانه جوراب گیلان (واقع در جاده رشت- کوچصفهان) را خریده و یا در مناطق صنعتی دیگر مانند اراک (آلومینیم سازی) و مازندران (نساجی) سرمایه گذاری کرده است.

قابل ذکر است که ۵۲ نفر از کارگران بازنشسته کارخانه حق و حقوق بازنشستگی خود را- هرکدام از یک میلیون تومان به بالا- از کارفرما طلبکار هستند و او تا کنون به آن ها

۱۰ نفر از کارگران باقی مانده در کارخانه عملاً تعطیل نساجی پارس ایران دستمزد ۲ ماه فروردین و اردیبهشت ۸۷ را از کارفرما- جواد افراشته- طلب دارند. پس از مذاکره تلفنی کارگران با کارفرما او قبول کرد که فقط دستمزد یک ماه را پرداخت کند، و آن را توسط مسئول امور مالی کارخانه برای کارگران فرستاد. اما کارگران از دریافت این مبلغ امتناع کرده و بر خواست خود مبنی بر پرداخت کل دستمزد موقه پای فشرده این در حالی است که جواد افراشته در تاریخ ۸۷/۳/۸ مبلغ ۲ میلیارد تومان از وزارت صنایع دریافت کرده است، آن هم بابت بازگشایی کارخانه! او قبلاً

## گزارشی از کارخانه مسینان وابسته به ایران ساین

پرداخت می‌شود. اکثر کارگران موقت از ۱۳۷۰ به بعد مشغول کار شده اند. به عبارت دیگر، در میان کارگران موقت کسانی با ۱۷ سال سابقه کار نیز وجود دارند که هنوز رسمی نشده اند. آخرین تاریخ استخدام کارگر دائم سال ۱۳۶۹ (سال تصویب قانون کار!) بود. به این ترتیب، کارگران با مقاومت و هوشیاری در مقابل کارفرما ایستادند و کارفرما تا کنون نتوانسته است آن ها را اخراج کند.

۱۰ خرداد ۸۷

اخراج) انجام شود. وی خریدار ایران ساین و طرف قرارداد با شرکت های آلمانی است. او از آلمان قطعات یدکی وارد می‌کند و آن ها را در شهر صنعتی رشت مونتاژ می‌کند. کارگران در مقابل اخراج دست به مقاومت زدند و به رغم اخطار کارفرما حکم جلب یکی از سهامداران به نام مجید افراشته را گرفتند. پس از تعطیلات نوروز، تمام ۱۵۰ نفر کارگر کارخانه به سرکار برگشتند و درضمن دستمزد ۲ ماه فروردین و اردیبهشت ۸۷ را نیز دریافت کرده اند. قابل ذکر است که دستمزد کارگران دائم با احتساب ایام سنوات آن ها اما دستمزد کارگران موقت طبق حداقل دستمزد مصوبه اداره کار

کارخانه مسینان وابسته به ایران ساین در شهر صنعتی رشت قطعات یدکی خودرو از قبیل رله های سه گانه (برای سیستم خنک کننده خودرو) شیشه بالابر، برف پاک کن، ساعت پرابد، قطعات قفل خودرو از جمله قفل ۲۰۶ و... تولید می‌کند. تعداد کارگران این کارخانه ۱۵۰ نفر است که حدود ۴۰ نفر از آن ها در استخدام دائم هستند و بقیه با قرارداد موقت (یک ماهه) کار می‌کنند.

قبل از نوروز امسال قرار بود توسط کارفرمایی به نام سرامی، که یک سرمایه دار اصفهانی است، در کارخانه مسینان "تعدیل نیرو" (یعنی

## پایان اعتصاب کارگران پرستار در سوئد

اعتصاب کنندگان پایان یافت. اعتصاب نزدیک به ۴۰ روز ادامه داشت، اما تنها برنده واقعی

های عکس برداری و زایمان سوئد در میان موج وسیعی از خشم و ناراضی و اعتراض

اعتصاب ۵۰۰۰ کارگر پرستار بیمارستان ها، تکنیسین های آزمایشگاه ها، کارگران بخش

این نبرد ۴۰ روزه کارفرمایان و سرمایه داران دولتی بخش های درمان سوئد بودند. اتحادیه بخش درمان مطابق عرف جنبش اتحادیه ای برای تضمین و تأمین بالاترین میزان منافع سرمایه بخش اعظم مطالبات کارگران را لگدمال کرد. توافق اتحادیه و نهاد کارفرمایی همتایش از سوی کارگران « شکست قرن» نامیده شد. پرستاران و سایر کارگران به دنبال ۴۰ روز اعتصاب و مقاومت پرشور، زیر فشار سازشکاری و سرسپردگی جنبش اتحادیه ای مجبور به پایان اعتصاب شدند. آنان به هیچ یک از خواسته های خود دست نیافتند. افزایش ۵۰۰۰ کرون به دستمزد ماهانه هر کارگر محقق نگردید و میزان آن در مورد بسیاری از کارگران حتی به ۱۰۰۰ کرون هم نرسید. حداقل دستمزد پیشنهادی کارگران نیز به دور

انداخته شد و ارقام افزایش درخواستی سه سال آینده همگی به پایین ترین میزان ممکن سقوط کرد. سرمایه داران دولتی بخش درمان در شرایطی از قبول خواسته های کارگران سرپیچی کردند که مازاد بودجه سالانه این بخش از سقف ۲۵ میلیارد کرون بالاتر رفته و مازاد بودجه سالانه کل دولت سرمایه مرز ۱۵۰ میلیارد کرون را پشت سر نهاده است. سرمایه داران ۴۰ روز تمام همه معضلات هولناک ناشی از اعتصاب را بر چندین میلیون شهروند سوئدی تحمیل کردند. بیش از ۱۰۰۰۰۰ عمل جراحی ضروری را برای مدت نامعلوم به عقب انداختند، ده ها هزار بیمار را از دیدار لازم پزشکی محروم ساختند، شمار بخش های مراقبت فوری و حیاتی را در همه جا کاهش دادند، جان میلیون ها انسان را به بازی گرفتند،

و از قبول مطالبات نازل کارگران نیز سرباز زدند. آن ها به همه این بشرستیزی ها دست یازیدند، صرفاً به این دلیل که میزان سود سرمایه ها را در اوج نگه دارند. آنچه صاحبان سرمایه و کارفرمایان دولتی آرزو می کردند، توسط اتحادیه ها جامه عمل پوشید. کارگران با خشم و قهر و اعتراض از میدان مبارزه به بیرون پرتاب شدند. چند هزار کارگر پرستار و تکنیسین آزمایشگاه و حوزه های دیگر بخش درمان اینک یکصدا اتحادیه متبوع خود را در کنار کارفرمایان مسبب این شکست می دانند. کارگران در سطحی بسیار وسیع اعلام کردند که اتحادیه را ترک خواهند گفت.

مه ۲۰۰۸

## منشور مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران

هجوم نظام سرمایه داری به سطح معیشت کارگران روز به روز ابعاد وسیع تری می یابد و کارگران بیش از پیش به اعماق مرگ و نیستی رانده می شوند. در یک سوی جامعه، انباشت عظیم ثروت را می بینیم و، در سوی دیگر، شاهد گسترش فقر و فلاکت و بی حقوقی در مقیاسی بی سابقه هستیم. شکاف طبقاتی اکنون به چنان ورطه هولناک و مرگباری تبدیل شده که برای کارگران راهی جز جنگ مرگ و زندگی با سرمایه داری باقی نمانده است. این جنگ را خود سرمایه داری بر کارگران تحمیل کرده است و خودکرده را تدبیر نیست. روزی نیست که شاهد چندین تجمع و تحصن و اعتصاب و راه پیمایی کارگری علیه نظام سرمایه داری نباشیم. بستن جاده ها و قطع شریان های حمل و نقل سرمایه اکنون می رود که به یک سنت مبارزه طبقه کارگر ایران علیه سرمایه تبدیل شود.

با این همه و به رغم آن که کارگران در همه جا مطالبات یکسانی را مطرح می کنند، مبارزات آنان هنوز به زیر یک پرچم سراسری واحد گرد نیامده است. و یکی از علت های به نتیجه نرسیدن این همه مبارزه کارگری را در همین جا باید جست. پیداست که اگر مبارزه کارگران برای مطالبات پراکنده و محلی به مبارزه برای مطالبات طبقاتی سراسری و واحد ارتقا نیابد کارگران به رغم تمام جان فشانی ها و فداکاری های خود راه به جایی نخواهند برد. گام اول برای عقب نشان دادن هجوم بی امان سرمایه به سطح معیشت کارگران برافراشتن یک پرچم یا منشور سراسری واحد حاوی مطالبات پایه ای طبقه کارگر است. تاکید بر پایه ای بودن مطالبات در این منشور از آن رو ضروری است که اولاً کارگران ایران در اوضاع کنونی حتی از پایه ای ترین حقوق متعارف کارگران در بخشی از جهان محرومند و، ثانیاً و مهم تر از آن، لازمه ارتقای مبارزات پراکنده کارگران به سطح یک مبارزه سراسری در وسیع ترین شکل آن- که خود شرط لازم مقاومت در مقابل سرمایه در شرایط کنونی است- نه طرح مطالبات این یا آن بخش از کارگران بلکه طرح مطالبات کل طبقه کارگر در عمومی ترین و پایه ای ترین بیان آن است.

اما مهم تر از این ها توضیح این نکته است که کارگران مطالبات خود را از چه زاویه ای مطرح می کنند. نفس طرح هرگونه مطالبه اعم از پایه ای و غیرپایه ای به معنای آن است که کارگران از سرمایه داران طلبکارند. طلب کارگران از سرمایه داران از بابت هیچ چیز نیست مگر از بابت کار اضافی ای که برای سرمایه داران کرده اند اما در ازای آن هیچ چیز نگرفته اند. بنابراین، کارگران با طرح مطالبات خود در واقع به سرمایه داران و دولت آن ها می گویند که آنان باید این مطالبات را از محل همین کار پرداخت نشده برآورده کنند. بدین سان، کارگران در همان مبارزه خودانگیزخته خویش نظم سرمایه را به چالش می کشند و باید بکشند. کارگر در لحظه لحظه زندگی خود به گونه های مختلف این مضمون ضدسرمایه داری را بیان می کند که چرا باید من کار کنم اما یکی دیگر بخورد؟ چرا باید تمام ثروت جامعه را من تولید کنم اما خودم از آن کاملاً بی بهره باشم؟ این همان رویکرد و زاویه ای است که ما به مثابه بخش کوچکی از طبقه کارگر منشور حاضر را بر مبنای آن تدوین کرده ایم.

مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران در شرایط کنونی عبارتند از :

۱- حداقل دستمزد ماهانه هر کارگر در شرایط کنونی باید ۶۰۰ هزار تومان باشد.

## خبرنامه کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری (منطقه تهران)

- ۲- تمام افراد زیر ۱۸ سال باید از حقوق ثابتی به مبلغ ۱۰۰ هزار تومان در ماه برخوردار باشند.
- ۳- کارخانگی باید از میان بروداما تا آن زمان باید به زنان خانه دار دستمزدی معادل دستمزد کارگران شاغل تعلق گیرد.
- ۴- تمام بیکاران آماده کار باید مشمول بیمه بیکاری باشند. بیمه بیکاری نباید از حداقل دستمزد کارگران شاغل کمتر باشد.
- ۵- هر نوع قرارداد استخدام موقت الغاء باید گردد.
- ۶- حقوق تمام شاغلان، بیکاران، زنان خانه دار و افراد زیر ۱۸ سال باید حداکثر تا بیست و پنجم هر ماه پرداخت شود.
- ۷- مسکن مناسب با آب، برق، امکانات رفاهی و ارتباطی و وسائل خانگی حق مسلم هر کارگری است. تحقق این امر در گرو آن است که:
  - از ساختمان های تحت مالکیت دولت که اینک در اختیار نهادهای دولتی قرار دارند برای تأمین مسکن کارگران استفاده شود.
  - دولت هر سال درصد معینی از بودجه را به احداث واحدهای مسکونی جدید برای کارگران اختصاص دهد.
  - ۸- بهداشت و دارو و درمان انواع بیماری ها باید رایگان باشد.
  - ۹- آموزش و پرورش در تمامی سطوح باید رایگان شود.
  - ۱۰- ایاب و ذهاب در سراسر جامعه باید رایگان شود.
  - ۱۱- تمام مردم باید از مهد کودک رایگان استفاده کنند.
  - ۱۲- همه سالمندان و معلولان باید به صورت رایگان تحت مراقبت قرار گیرند.
  - ۱۳- کار کودکان و جوانان زیر ۱۸ سال باید به طور کامل الغاء گردد.
  - ۱۴- هرگونه تبعیض جنسی در مورد زنان باید از میان برود. برای تحقق این خواست باید:
    - زنان در تمام قوانین از جمله قانون کار، قوانین مربوط به خانواده و قوانین کیفری با مردان حقوق برابر داشته باشند.
    - هر نوع دخالت دولت در تعیین نوع زندگی، روابط زن و مرد یا دختر و پسر و پوشاک زنان ممنوع گردد.
    - تشکیل خانواده یا جدایی همسران از یکدیگر با توافق آزادانه و حق برابری کامل میان آنان صورت گیرد.
    - هرگونه ازدواج قبل از سن ۱۸ سالگی ممنوع شود.
  - ۱۵- ایجاد هرگونه تشکل کارگری از جمله تشکل ضد سرمایه داری و سراسری طبقه کارگر باید آزاد باشد.

**کارگران علیه سرمایه متشکل شویم !**

**کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری (منطقه تهران)**

۱۳۸۷/۲/۱

**از سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری (منطقه تهران) بازدید کنید:**

**WWW.HAMAAHANGI.COM**

**اخبار، گزارشات، و مطالب کارگری خود را به آدرس زیر ارسال کنید:**

**hamaahangi@gmail.com**

# خبرنامه کمیته هماهنگی را به دست

# کارکران هر چه بیشتری برسانید.

سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد شکل کارگری (منطقه تهران) به طور روزمره به روز شده و اخبار جدید کارگری در آن منتشر می‌گردد.

آدرس سایت را به اطلاع همه برسانید:

**WWW.HAMAAHANGI.COM**

برای تماس با ما نامه الکترونیکی خود را به آدرس زیر بفرستید:

**hamaahangi@gmail.com**

برای اشتراک این خبرنامه به سایت کمیته مراجعه کرده و آدرس الکترونیکی خود را در قسمت "خبرنامه سایت" وارد کنید. در صورتی که مایل به ادامه اشتراک نیستید، می‌توانید در همین قسمت خواهان حذف نام خود از فهرست مشترکین شوید.